

# نشره دانشکده ادبیات تبریز

تابستان سال ۱۳۴۶

شماره مسلسل ۸۲

دکتر غلامحسین بیگدلی

## فرهاد و شیرین نوائی

بنظم کشیدن «خمسه» بعد از نظامی گنجوی در سرتاسر خاورمیانه و نزدیک نمونه قدرت شاعر و مظهر توانائی و استادی وی در ساحت علم و ادب بخصوص در فن شعر بود. از اینرو بسیاری از شعرای زبردست بعد از نظامی در سبک و اسلوب وی مبادرت بنظم و تدوین «خمسه» نموده و آثار متعددی بوجود آورده اند. دانشمند معاصر ایران مرحوم وحید دستگردی در باره پیدایش و بمیان آمدن این «خمسه»ها چنین اظهار نظر مینماید: «اگر کلیه کتبی را که در سرتاسر کتابخانه‌های جهان موجود است مورد دقت و بررسی قرار دهیم در میان آنان صدها جلد «خمسه» نظر ما را جلب خواهد کرد که کلیه آنها تحت تأثیر «پنج گنج» نظامی گنجوی بوجود آمده است.»

بدون هیچگونه تردید امیرعلیشیر نوائی نیز «خمسۀ» خود را با پیروی از سلف بزرگوار خود نظامی-متتها بادر نظر گرفتن شرایط زمان و مکان- بنظم کشیده و اثر جاویدان خود را بوجود آورده است. بطوریکه خود امیرعلیشیر نوائی بارها از تأثیر میراث ادبی نظامی و امیر خسرو دهلوی در اثر خود سخن به میان آورده و این دو تن را استاد و معلم خود شناخته و خودش را خلیف و پیرو آنان دانسته است. فی المثل در آغاز داستان «لیلی و مجنون» خود نوائی در این باره چنین بیان مینماید<sup>۱</sup>:

مین کیم بو طرف گذار قیلدیم  
 اوّل ده کوپ ایله دیم تأمل  
 کیم گنجده گنج لر یا شورقان  
 یاهند نژاد هندوی زاد  
 هم قلعه اوچون گرگ دورور شهر  
 بولسا منه فرصت اولقدر چاق  
 ترجمه اشعار بترتیب چنین است:

این رنج را اختیار نمودم . . .  
 نهایت این فکر و خیال قلمم را احاطه نمود  
 و این گنجهای جاوید زندگی بخش کسان گردید  
 کاخهای آن را آباد نمود (شهری ساخت)  
 وهم برای قصر باغ و سبزه ضروری است  
 برای این شهر طرح باغ و سبزه خواهم ریخت...

من که در این راه قدم برداشته  
 در آغاز خیلی تأمل کردم  
 حال که گنج گنجها بوجود آمد  
 یا هندی زاده و هند نژاد هم<sup>۲</sup>  
 هم برای شهر قلعه و حصار لازم است  
 اگر فرصت بمن اجازه و امکان بدهد

بطوریکه ازهضمون این چند مصراع استنباط میگردد بنظر نوائی اگر نظامی در ساخت شعر و ادب بنای با عظمت و استواری را بنیان گذاری نموده و امیر خسرو دهلوی در اطراف این بنای مجتشم دیوار رفیعی کشیده است نوائی هم باید با ایجاد «خمسۀ» خود باغی خرم و سرسبز در حوالی آن بنا بوجود آورد.

۱- امیرعلیشیر نوائی خمسۀ، تاشکنت ۱۹۶۰، صحیفه ۳۴۹.

۲- مقصودش امیر خسرو دهلوی است.

نوائی علاوه بر اینکه در آغاز هر يك از داستانهای پنجگانه «خمسۀ» خود از نظامی ذکر خیری نموده است، او را «استاد»، «پیر» و «خضر» نامیده است. هم‌چنین قصائدی نیز در مدح و ستایش نظامی بنظم کشیده و مراتب قدردانی و حقیقت‌شناسی خود را با کمال فروتنی ابراز نموده است. حتی در این خصوص از حد عادی تجاوز کرده و طریق تکلف و مبالغه پیموده که این نیز خود دلیلی بر منتهای تواضعکاری و بزرگواری امیر علیشیر است. او میگوید: «خمسۀ نظامی از لحاظ مندرجات و مطالب خود بقدری با عظمت و وزین است که برای اندازه‌گیری و سنجش آن ترازوئی لازم است که هر کفۀ اش باندازه آسمان و وزن هر سنگ آن باندازه زمین باشد». این مقایسه هر قدر هم مبالغه آمیز بنظر آید باز هم نمونه‌ای بارز و مبین علاقه و محبت بی‌پایان دانشمند عالیمقدار اوزبیک بنا به فارسی گوی آذربایجان میباشد ...

امیر علیشیر مؤلف آثار منظوم و منثور بسیاری است. آثار منظومش از یکصد هزار مصراع زیادتر است. آثار منثورش نیز عبارت از چندین مجلد قطور میباشد که یکجا میراث ادبی جاویدان وی را تشکیل میدهند. لیکن ما در اینجا فقط روی اثر «فرهاد و شیرین» وی و بطور ایجاز و اختصار رابطه و علاقه ادبی این داستان با داستان «خسرو و شیرین» درنگ نموده، مختصراً در این باره اظهار نظر خواهیم نمود.

\*

امیر علیشیر نوائی داستان «فرهاد و شیرین» خود را در سال ۱۴۸۴ مانند نظیره‌ای بداستان «خسرو و شیرین» نظامی برشته نظم کشیده. او هم مانند نظامی اثر خود را در بحر هزج سروده و بقول دانشمند فقید ایران سعید نفیسی: «بعد از نظامی بسیاری از شعراء در همین موضوع و در همین وزن داستان «خسرو و شیرین» بوجود آورده‌اند». نوائی در آغاز همین داستان «فرهاد و شیرین» خود نیز آثار جاویدان متشابه نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی را چنین ارزیابی مینماید:

نیچوک کیم گنج پاش گنجه آرام  
دلی گنج اورزه دائم کامی آنینک...  
نیچوک کیم خیل اختر آسمانی  
ایاغ آستیغا چون قالغای او شالغای...  
مگر اول هندوئی زاد شکر ریز<sup>۱</sup>

آنینک بو گنجیدین تاپمای کیشی کام  
اگرچه گنجه ده آرامی آنینک  
توتوب گوهر لری یکسر جهانی  
یوق اول گوهر که چون نوافره قالغای  
کیشی مونداق بولا آلمای گهر ریز  
ترجمه :

مثل آنکه در گنجه آرمیده کام نکرفته است  
لیکن او همیشه در روی گنجه قرار گرفته است  
جواهرات او سراسر جهان را گرفته است  
اگر زیر پا هم بیفتد از قدرش نمیگاهد...  
هیچکس چون او گوهر پاشی نتوانسته است

هیچ کس از این گنج سخن  
اگرچه آرامگاه وی در گنجه است  
همچنانکه خیل ستارگان آسمان را گرفته اند  
گوهر او هرگز زیر خاک شدنی نیست  
بجز آن هندزاده شکر ریز (اشاره بامیر خسرو  
دهلوی است)

و سپس از اینکه او نیز میخواهد در برابر چنین استادان و خداوندان سخن و  
چنان آثار ذقیمتشان اثر تازه ای بمیان آورد اظهار نگرانی میکند. اهمیت این کار  
بزرگ و پر مسئولیت را خوب دریافته و در نتیجه اعتراف مینماید :

نظامی پنجه سیغه پنجه اورماق  
نی کیم اوردی آنینک چنکی کاپنجه  
اگر شیر اولماسا باری پلنگی...  
که چیکتی گنج و گوهر پیل بالا  
که سالغای پیل خرطومیغه خرطوم

ایماس آسان بومیدان ایچر اتورماق  
توتای کیم قیلدی اوز چنگینی رنجه  
گیراک شیر آلیده هم شیر جنگی  
نظامی ایردی انداق پیل والا  
گیراک هم پیل ایرور بو نکته معلوم  
ترجمه :

و وارد این میدان شدن کار آسانی نیست  
فقط چنک خودش را عذاب داده است  
اگر هم نه شیر باری پلنگ شدن...  
گنج گوهری ببالای پیل میکشید  
بخرطوم پیل فقط پیل میتواند خرطومش را ببندازد

پنجه در پنجه نظامی افکنندن  
هر که با او پنجه در پنجه افکند  
باید شیر شدن<sup>۱</sup> هم شیر جنگی شدن  
نظامی یک پیل بزرگی بود که  
این نکته هم واضح و مسلم است که

نوائی سنگینی پنجه در پنجه افکندن با نظامی را یعنی اهمیت نظیره نوشتن بر آثار وی را بخوبی درک مینماید. میدانند که بمیدان نظامی رفتن و با او مقابله کردن حدهر کس نیست. از همین رو منتهای تواضع کاری را بخرج داده خودش را شاگرد و نوآموز مکتب علم و ادب وی میخواند.

لیکن باتمام اینها و بادر نظر گرفتن اینکه اثر «فرهاد و شیرین» نوائی در حقیقت نظیره‌ای بداستان «خسرو و شیرین» نظامی نوشته شده است، بزرگی و قدرت نوائی در این است که با استفاده کردن از سوژه تاریخی منظومه نظامی، در اصل داستان تغییرات مهمی بوجود آورده، چه از لحاظ فرم و چه از لحاظ مضمون یک داستان کاملاً اصیل و بتمام معنی نو، محصول شرایط زمان و مکان خود بنظم کشیده و اثری بس شایسته و زیبا بوجود آورده است. او تمام مطالب و اپیزودهای مربوط بخاندان ساسانیانرا از مثنوی خود حذف نموده، در عوض مبسوطاً درباره قهرمان داستان خود فرهاد قلمفرسائی کرده، بعضاً نیز شاعر شخصاً خودش را بجای فرهاد گذاشته و وصف الحال سروده است.

فرهاد نوائی با فرهاد اسلاف وی از قبیل نظامی، امیر خسرو دهلوی، عارف اردبیلی، اشرف مراغه‌ای و غیره از لحاظ منشأ، شخصیت، سبب و سرنوشت کاملاً متفاوت و متغایر میباشد. فرهاد نوائی یک فرد زحمتکش ساده، یک سنگتراش عادی یا یک صنعتگر معمولی نبوده، بلکه شاعر درسیمای قهرمان اثر خود فرهاد یک فرزند فداکار زاد و بوم خود را، یک نمونه پهلوانی و رشادت را، یک رمز و مظهر میهن پرست ابناء و وطنش را تمثیل و تصویر مینماید. ضمن آنکه او را فرزند خاقان\* و شهزاده چین معرفی مینماید، نوائی در چهره وی تمام آمال و آرزوهای شخصی خود و خواست و تمناهای مردم و وطنش را جلوه گر ساخته، در زندگی و فعالیت این چهره محبوب

\* باید این نکته را متذکر شد که در آن زمان خاقان لقب فرمانروایان ترکستان و قفقوز لقب سلاطین کشور چین بوده است و این به آن معنی است که وقتی نوائی فرهاد را فرزند خاقان معرفی مینماید یعنی اشاره بشاهزادگان ترکستان است.

احتیاجات و ضروریات مردم کشورش را تجسم و تصویر مینماید .  
گفتیم که منظومه «فرهاد و شیرین» نوائی هم از لحاظ فرم و هم از لحاظ مضمون اصیل است و شاعر در این اثر خود چیزهای تازه بر آثار اسلاف خود افزوده است .  
قبل از هر چیز باید دانست که سرودن این داستان شیرین بزبان اوزبیکى برای مردم اوزبیکستان و سایر خلقهای ترك زبان يك تازه گى بسیار مطبوع و در عين حال ضرورى و قابل توجه بود. زیرا اسلاف وی معمولاً آثار خود را تا آن زمان در زبان شیوای فارسی برشته نظم کشیده و برای خلقهائی که از دانستن زبان فارسی بی بهره بودند خواندن و درك کردن این گونه داستانها و آثار، مشکل، بلکه محال مینمود. خود نوائی باین مطلب چنین اشاره کرده<sup>۱</sup>:

مىن خسته كه بو رقمنى چكىتم	تحریرى او چون قلمنى چكىتم
يا زما قدا بو عشق جاودانه	مقصودوم ايماس ايدى فسانه
چون فارسى ايردى نكته شوقى	آزراق ايدى آندا ترك ذوقى
اول تيل بيله نظم بولدى ملفوظ	كىم فارسى آنكلار اولدوم محظوظ
من تر كجه باشلاديم روايت	قىلديم بو فسانه نى حكاييت
كىم شهرتى چون جهانغه تولغاي	ترك الگه داغى بهره بولغاي

ترجمه :

من خسته که این را رقم زدم	و برای تحریرش قلم برداشتم
از نوشتن این عشق جاودانی	مقصودم فقط افسانه نبود
چون بزبان فارسی نکات بیان میکردید	و ذوق ترکی کمتر بکار میرفت
تا کنون از نظم فقط کسانی بهره مند میشدند	که زبان فارسی را خوب درک مینمودید
من روایت را بترکی آغاز نمودم	و این افسانه بنظم درکشیدم که
همین که در اطراف جهان شهرت یافت	ایلات ترك از آن بهره مند میشوند

خدمت بزرگ و غیر قابل مقایسه نوائی با اسلافش اساساً در این است که او طلب

و ضروریات عصر خود را خوب درك نموده و بزبان مادری خود اهمیت بسزائی قائل گردیده و چند جلد از آثار خود را که از آنجمله همین منظومه «فرهاد و شیرین» است بزبان اوزبیک سروده و از این رو خدمت بزرگی بمدنیّت و ادبیات خلقهای ترک زبان کرده است .

با وجود بودن پاره‌های تشابهات و حتی عینیت‌ها ما بین بعضی اپیزودهای این دو اثر باید اعتراف کرد که بطور کلی مضمون و مندرجه این داستانها کاملاً متغایر از یکدیگر بوده، متفاوت میباشند. در هر دو اثر سوژه داستانها، نقش صورتها، جریان حوادث و نتیجه گیری مؤلفین از یکدیگر جدا و علیحدّه میباشد. نوائی خواستار آنست که يك اثر بتمام معنی نو وارژینال بمیان آورده و تقلیدی از کسی نکرده باشد و ابیات زیرین شاعر همین فکر ومدّعی ما را تأیید مینماید:

بازیدا ایستا بو فرخنده تاریخ  
سوز آیتور ایلکا اول یان توشماگان گوز  
اولوسقا میلی بیاندازه بولغای  
مکرر ایلاماک سیندین نسی لایق  
یولی کیم ایل یو گورمیش تور یو گورماک

بوردن جمع‌ایت نی کیم بولغای تواریخ  
تاپیلغای شاید انداغ بیر نیچه سوز  
آنی نظم ایت که طرحینک تازه بولغای  
یوق ایرسا نظم قیلغاننسی خلاق  
خوش ایرماس ایل سو کینجه رخش سورماک  
ترجمه :

تاریخ فرخنده‌ای را از آنجا برگزین  
بچشم استادان سخن برنخورده باشد  
چیزی را بنظم بکش که بکشورت تمایل داشته باشد  
تو اگر تکرار نمودن بخواهی سزاوارت نیست  
در راهی که دیگران پیمودند رفتن هنر نیست

قبل از هر چیز بتواریخ نظری بیفکن  
شاید که در آنجا بمطلبی برنخوری که تاکنون  
چیزی را بنظم بکش که طرحت تازه باشد  
وگرنه چیزی را که دیگران قبل از تو بنظم کشیده‌اند  
در راه دیگران اسب نازیدن خوش نباشد

وجه تمایز اساسی داستان نوائی در این است که، روح، مضمون و مندرجه اثر تماماً روی عادات و مراسم، طرز زندگی، اخلاق و روحیات، طرز تفکر، تمناها، آرزوها و احتیاجات آنروزی مردم ترکستان و آسیای میانه بنظم کشیده شده و دارای کالریّت ملی است .

موضوع اثر «فرهاد و شیرین» نوائی هم مانند منظومه «خسرو و شیرین» نظامی بر اساس اسناد و فاکت تاریخی انتخاب و بنظم کشیده شده است. در هر دو اثر داستان عشقبازی و پیوند بیست و سومین پادشاه ساسانی خسرو پرویز / ۵۹۰ - ۶۲۸ / و همسر محبوب و زیبای وی شیرین اساس برداشته شده است لیکن همانطوریکه ذکر کردیم نوائی در سوژه و حصه‌های ترکیبی و مضمون اثر خود تغییرات مهمی داده و نقش صورت‌ها را کاملاً عوض کرده است. مهمترین این تغییرات این است که قهرمان اثر نوائی برخلاف داستان نظامی شاهزاده خاندان ساسانی خسرو پرویز نبوده بلکه فرهاد فرزند خاقان چین میباشد و از این رو نیز نوائی حتی نام اثر خود را داستان «فرهاد و شیرین» گذارده است. خود شاعر در اینخصوص چنین بیان مینماید:

بو کوه غم آرا درد و محن دین  
نظامی دیدی خسرو بولدو پی رو  
تناسب تاپیب اول ایکی یگانه  
مین محزونغه کیم عشق ایتی بیداد  
مناسب دور اگر تار تیب نوانی  
یازیب جان مصحفی دین ایکی آیت  
و در جای دیگر فرماید:

منکا کیم بو تمنا بولدی پیدا  
قلم برگ و گل نسرین غه سورماک  
ترجمه به ترتیب:

در این تنگنای کوه درد و محن  
نظامی آغاز کرد و امیر خسرو پیرو شد  
آن دو یگانه روزگار هر یک به تناسب

من بجز کوهکن دیگری را بر نمیگزینم  
او شاه شد و این هم خسرو گردید  
افسانه خسرو را بمیان کشیدند



بمن محزون هم که عشق بیداد نمود  
مناسب است که اگر نواخوانی کرده باشم  
دو آیه از مصحف جان را برگزیده  
در من این تمنا پدید آمده  
با قلم بر صحیفه گل و سرین رقم زده

مثل فرهاد در کوه غم گرفتارم ساخت  
داستان فرهاد محزون را بنظم بکشم  
وحکایت فرهاد و شیرین را بیان بنمایم  
و این شوق خاطر مرا شیدا نمود که...  
داستان فرهاد و شیرین را بیافرینم  
قبل از نظامی گنجوی شعراء و نویسندگان در باره فرهاد فقط با اشاراتی کفایت  
نموده و بطور اختصار از وی نام برده اند. صورت کامل و نقش فرهاد نخستین بار از  
طرف نظامی بزرگی بطور شایسته و نسبتاً مبسوط تصویر و ترنم گردیده است. نظامی  
است که جهت مطبوع تر و دلنشین تر ساختن داستان خود فرهاد کوهکن و زحمتکش  
را بمیان آورده و در میدان عشق او را در برابر شاهنشاه مقتدری مانند خسرو قرار  
داده است و با وجود آوردن يك چنین تضادّ حادّ در عالم عشق و محبت ارزش و دلچسپی  
داستان خود را خیلی بالا برده. لیکن نظامی درباره شخصیت واصل و نسب فرهاد  
و گذشته وی هیچگونه معلوماتی نداده است. زیرا که فرهاد قهرمان اصلی داستان  
وی نبوده و احتیاجی هم بطول و تفصیلی در اینخصوص نداشته است.

لیکن صورت فرهاد داستان نوائی هم قهرمان اصلی داستان و هم مانند يك  
شهباز ترنم میشود که فرق او با دیگر شاهزادگان در صفای باطن، پاکی ضمیر و  
معنویات عالی وی میباشد. همانطوریکه نظامی دوران جوانی قهرمان داستان خود  
خسرو را مبالغه آمیز بیان مینماید، نوائی هم در تصویر جوانی فرهاد قهرمان اثر خویش  
بمبالغه و اغراق پرداخته. فرق بین سجایای این دو صورت در این دو داستان متشابه  
عشقی این است که خسرو از همان اوان جوانی لالابالی و عیّاش و هردم خیال و بی بند  
و بار بوده و فرهاد بعکس دائماً در طریق راستی و درستی پیش رفته و از آغاز جوانی  
طرفدار اخلاق و عفت و صداقت و علم و هنر و صنعت و زحمت بوده است. موضوع محبت  
و عشق و ورزی او نیز برخلاف خسرو متکی با اخلاق و توأم با عفت و دوستداری حقیقی

بوده و مراحل کاملاً مقدسی را می‌پیموده است بطوریکه خود نوائی قهرمان اثر خود را چنین تصویر مینماید:

ایمان کیم کونگلی پاک هم گوزی پاک  
تیلی پاک و سوزی پاک و اوزی پاک

ترجمه:

باید گفت که هم قلبش و هم چشمش پاک است زبانش پاک، گفتارش پاک و خودش پاک است

اگر نظامی خسرو را در سفر اولش از مداین بآذربایجان وارمن راه انداخته است، نوائی فرهاد خود را در نخستین سفر از چین بیونان آورده و هر دوی این قهرمانان در پی هدف و مقصد معینی از شرق بغرب سفر نموده‌اند. متتاهم مسافرت خسرو بغرب از روی اضطرار و اجبار بوده، او برای نجات خویش از غضب پدرش هرمن بآذربایجان رهسپار گردیده و سپس با فرمان عشق غائبانه ولیکن شدید و سوزان شیرین وارمن زمین تاخته است. اما فرهاد در سفر اول خود فقط برای بدست آوردن جام جمشید بیونان زمین سفر نموده، تا پایان این سفر نیز هنوز دربارهٔ جمال بیمثال شیرین چیزی بگوش او نخورده است.

سفر اول خسرو آنقدرها موققتیت آمیز نبوده. او با شیرین تصادفاً سرچشمه رو برو میشود و او را نمی‌شناسد. در مدت اقامت در آذربایجان وارمن زمین هیچ کار مثبتی انجام نمیدهد، پس از شنیدن خبر فوت پدر بدون بدست آوردن نتیجه‌ای از سفر خود بمدائن باز میگردد، لیکن قهرمان اثر نوائی فرهاد در سفر نخستین خود سرزمین یونان را بدست آورده و در آنجا عدل و داد برپا میسازد. بهمین سبب محبوب توده‌های مردم این سرزمین گردیده جام جمشید را بدست می‌آورد و بایک شکوه فراوانی بهمین خود برگشته از طرف پدر و هم‌میهنانش مورد تجلیل و استقبال شایان قرار میگیرد.

بهمین ترتیب در سرتاسر این دو داستان بطوریکه ملاحظه میشود اگر در خط سوزها و نقش صورتها وجه تشابهی هم موجود هست، ما بین مضمون دو اثر نظامی و

نوائی عینیت و تقلید موجود نبوده و حصه‌های ترکیبی این دو داستان کاملاً متفاوت است: فرهاد نظامی يك سنگ تراش عادی است، فرهاد نوائی شهزادهٔ محترمی است. در داستان نظامی رسانیدن شیر تازه بقصر شیرین ضرورت کوه کندن و نهر باز کردن را ایجاب مینماید و در اثر نوائی مسئلهٔ آب آوردن موجب کندن کوه و نهر میشود. فرهاد نظامی یکسره و تنها کلنگ در دست گرفته با سنگ‌های خارای کوه بیستون به نبرد میافتد. فرهاد نوائی با صدها نفر سنگتراش دیگر در کندن کوه و باز کردن راه برای آب تلاش و کوشش مینماید. در اثر نظامی محل وقوع این حادثه استان جنوب غربی ایران و نزدیکی شهر تاریخی کرمانشاهانست. فرهاد نظامی در کوه بیستون بزور آزمائی پرداخته و از قدرت عشق شیرین نقش‌های جاودانی در آنجا بوجود آورده است.<sup>۱</sup> نوائی وقوع حادثه را در کوه‌های سلسل قفقاز<sup>۲</sup> تصویر مینماید: در اثر نوائی از همان نظر اول شیرین عاشق فرهاد میشود و او را بقصر خود آورده باو اعلان عشق مینماید. در داستان نظامی شیرین هیچوقت عاشق فرهاد نیست او برای همیشه خسرو را دوست داشته و باین عشق پاك و محبت بی‌آلایش خود تالاب گور وفادار مانده است این فرهاد است که مجنونانه مفتون شیرین گردیده و سرانجام نیز این عشق یکجانبه سبب مرگ وی میگردد.

نوائی هم چنین خسرو را در داستان خود کاملاً متغایر با خسرو داستان نظامی تصویر نموده است در داستان نوائی خسرو پس از باخبر شدن از وجود زیباصنمی مانند شیرین برای بدست آوردن وی گویا با تحريك بزرگ امید ارتش سرزمین ارمن کشیده با اینکه او را از عشق پاك و بی‌آلایش فرهاد و شیرین آگاه میسازند در دل سنگ و بوالهوس وی تأثیر نمیکند. نهایت مصمم میگردد که قهرماً و بزور شمشیر ارمن زمین را ویران کرده و بجبر شیرین زیبا را تصاحب نماید. جنگ در گیر میشود و فرهاد

۱- این کتیبه و نقوش بفرهان داریوش کبیر بر بیستون نقش گردیده است.

۲- چنین کوه‌های بنام سلسل وجود خارجی ندارد.

مانند يك سر کرده جنگاور با خسرو روبرو می‌گردد. بازهم بانیرنگ و تمهید بزرگ امید فرهاد اسیر میشود و دست پا بسته بحضور خسرو گسیل می‌گردد، پیرسش‌های خسرو جسورانه جواب داده از مرگ نمی‌هراسد. اگر در اثر نظامی خسرو و شیرین تخمیناً هم‌سال هستند در اثر نوائی خسرو پسری بنام شیرویه هم‌سال شیرین دارد. شیرین از شنیدن نام خسرو و بیزار است و روی او را نمی‌خواهد به بیند و تا پایان عمر خود نیز نمی‌بیند. ماجرای مرگ فرهاد در اثر نوائی تخمیناً مانند اثر نظامی ترنم شده است در هر دو اثر خبری جعلی موجب مرگ فرهاد می‌گردد. در مراسم دفن فرهاد و مراحل بعدی بازهم نوائی اپیزودهای تازه‌ای بنظم کشیده و صحنه‌های جدیدی ایجاد میکند. بردن مہین بانو شیرین را بکوه‌های ارمن، ملاقات و عاشق شدن شیرویه بشیرین و اتخاذ تصمیم از بین بردن پدر و تصاحب شیرین و تاج و تخت حوادثی است که با داستان نظامی کاملاً متمایز است.

مسئله قتل خسرو هم در این دو داستان مختلف تصویر و ترنم گردیده است. نوائی این حادثه را طوری بنظم کشیده که وقتی خسرو از طرف شیرویه بقتل میرسد در خواننده خواه ناخواه يك فرح و انبساطی روی میدهد گوئی از يك فشار و عذاب وجدانی خلاص شده. این کار را با علم باینکه جنایت است با نیک‌بینی تلقی مینماید و حال آنکه کشته شدن خسرو در داستان نظامی در خواننده یا شنونده کاملاً تأثرات دیگری بوجود آورد. علت این کار بدینجهت است که نظامی بخسرو با نظر احترام نگریسته باینکه در خلال ابیات خود او را يك شخص لاابالی، عیاش، بی‌وفا و نسبت بعالم عشق و محبت بیگانه تصویر مینماید. لیکن بعضاً نیز صفات مثبت و سجایای پسندیده‌ای از قبیل رشادت، سخاوت، عدالت و غیره باو نسبت میدهد که در شخص خواننده نسبت بوی حسّ حرمتی نیز ایجاد می‌سازد لیکن نوائی از همان آغاز داستان نسبت به موضوع بيك نظر نمی‌نگرد و خسرو را خودخواه، عیاش، بی‌اعتبار و بی‌وفا ترنم و تصویر مینماید. از همان اول نوائی هم‌چنین خسرو را پادشاهی ستمکار و غدار و شخصیتی

مستبد و بیعاطفه و خونخوار معرفی مینماید. خسرو نوائی برای حفظ نفس آنی و شهوترانی خود با داشتن هزاران کنیز و جاریه زیبا با زهم بعشق پاک و مقدس فرهاد و شیرین اعتناء نکرده با کمال ناجوانمردی و برای لذت آنی عاشق و معشوق را محو و کشوری را بخاک و خون می‌کشد و سرانجام خودش نیز هلاک شده و بسزای اعمال پلیدش میرسد. و بهمین جهت است که خبر قتل وی در خواننده یک نوع وجد و نشاط ایجاد میکند. از این اپیزود و از مقایسه مندرجات بسیاری اپیزودهای دیگر این دو داستان چیزی که جلب دقت بیشتری مینماید این است که رهانتیک داستان نظامی را عناصر را آلیست در داستان نوائی عوض مینماید و همین خصوصیت در سرتاسر اثر بطور وضوح جلب نظر نموده.

در داستان نوائی به خواستگاری فرستادن شیرویه نزد شیرین و به شرط تاریخی وی گردن نهادن و رسوا شدن شیرویه در حضور رجال کشور و سران لشکر و غیره اشاره ای نشده است. در فاجعه مرگ شیرین هم نوائی تغییراتی بوجود آورده و او را در دربار مهین بانو در سر نعلش فرهاد تصویر نموده است.

وقتی که نقش و چهره شیرین را در دو داستان نوائی و نظامی بررسی میکنیم می‌بینیم در عین حال که شیرین در هر دو اثر زیبا، وفادار، محجوب و پاکدامن است، شیرین نوائی بکلی معصوم است که هنوز چشم بجهان باز نکرده دستخوش حوادث ایام میگردد و قربانی هوی و هوس و خودخواهی خسرو می‌شود. لیکن شیرین نظامی با دارا بودن کلیه صفات شیرین نوائی، در آغاز جوانی از بین نمیرود و سالیان دراز مورد بیمه‌ری و فراموشی خسرو قرار میگیرد و با موجود بودن کلیه شرایط و امکانات خوشگذرانی پای از دایره اخلاق و نجابت و پرده عصمت و عفت بیرون نمیگذارد و با آنکه خسرو علی‌رغم شیرین گاه با مریم دختر قیصر روم و گاه با شکر اصفهانی می‌آمیزد و اکثراً نیز با کنیزان و جواری زیبای خود بعیش و عشرت میپردازد، شیرین پاکدامن و وفادار با تمام این ناسازگاریها و عیاشیهای خسرو میسازد و از میدان وفا و عفت خارج

نمیگردد. او در طول سالیان دراز بر تمناهای نالایق خسرو بی‌اعتنائی میکند و بدون عقد و نکاح رسمی تسلیم وی نمیگردد و با آگاه بودن بکلیه نواقص اخلاقی خسرو بعهد و پیمان نخستین خود صادق مانده و سرانجام بقدری پایداری و ثبات و عزت و نفس و اخلاق نشان میدهد تا کم‌کم در چنان خسروی معلوم الحال تأثیر مثبت نموده تدریجاً قلب هر جائی او را فتح و تسخیر مینماید آری همین خصوصیات و پا کروی‌ها است که شیرین را در ادبیات جهان مظهر عشق پاک و رمز صداقت و پاکدامنی و سمبول وفاداری قرار داده است. راستی هم جوانمردی و علو همت شیرین باندازه بیمهری و بیوفائی خسرو غیر محدود و بی‌پایان بوده است. بزرگی نظامی نیز در این است که در سیمای شیرین شاهزاده عیاش و لالایی و بی بند و باری مانند خسرو را نهایت اصلاح و تصفیه نموده براه راست میآورد و او را بزنگی مقدس خانواده و تشکیل عائله می کشاند. حتی بتدریج شیرین او را بعدالت پروری، دانش پژوهی، مردم‌داری و انسان دوستی سوق میدهد.

\*

وقتی که صورتهای دیگر این دو داستان منظوم را بررسی و مقایسه مینمائیم، می بینیم که در نقش اجرائی بیشتر این صورتهای مشترك تباین فاحشی وجود دارد و بعضاً نیز عین صورتها با سجایا و نقشهای کاملاً متغایر و حتی متضاد جلوه گری و تظاهر مینمایند. مثلاً در «خسرو شیرین» نظامی مهین بانو همیشه نسبت بخسرو مهر بان و متمایل بوده و در هر دو سفر او بار من زمین تجلیل شاهانه از وی نموده، تحف و هدایای گرانبهای بوی تقدیم داشته است. او از صمیم قلب خواستار ازدواج رسمی و آبرومند شیرین با خسرو میباشد. از طرف دیگر مهین بانوی نظامی در همان آغاز کار وفات میکند و سر نوشت شیرین زیبا را بحوادث و پیش آمدها می سپارد. او اصلاً فرهاد را نمی بیند و از وجود چنین شخصیت دلسوخته و عاشق پاکبازی اطلاعی هم حاصل نمیکند.

در داستان «فرهاد و شیرین» نوائی این صورت کاملاً نقش دیگری را ایفاء مینماید: در این داستان مهین بانو دشمن آشتی ناپذیر خسرو است. با او مقابله و زور آزمائی

میکند و فرهاد نورچشم مهین بانو است و بانو از صمیم قلب خواستار ازدواج شیرین با فرهاد است. در اثر نوائی شیرین قبل از مهین بانو وفات مینماید .

صورت شاپور نیز در این دو اثر کاملاً از عهده نقشهای مختلف برمیآید. درست است که در هر دو این داستان منظوم شاپور همان نقاش مشهور چین دیده است، لیکن در اثر نظامی شاپور و فرهاد هر دو در مکتب يك استاد در چین بآموختن فنون پرداخته اند. شاپور قلم مو و فرهاد تیشه را برگزیده است. لیکن چنانکه میدانیم فرهاد داستان نوائی شاهزاده کشور چین است. او با شاپور نخستین بار در کشتی بازرگانان مروارید یمن آشنا میشود. در حوادث بعدی نیز شاپور داستان نوائی با تمام نیرو و قدرت خود بفرهاد کمک نموده و دشمن آشتی ناپذیر خسرو بوده و حتی از طرف خسرو دستگیر و زندانی شده است. در صورتیکه در داستان «خسرو و شیرین» نظامی شاپور محرم و ندیم خاص خسرو است و تمام نیروی خود را برای خدمت بوی مصروف میدارد. همین جهت را درباره بهرام هم میتوان بیان نمود. در اثر «خسرو و شیرین» نظامی بهرام یکی از سرکردگان بنام ارتش ایران است و در نتیجه وقایع و حوادث معین تاریخی بر علیه هرمن پسر خسرو عظم طغیان برافراشته او را از سلطنت خلع نموده و تاج و تخت را بدست آورده و در سر موضوع شاهنشاهی ایران رقیب جدی و سرسخت خسرو میگردد. در زد و خوردهای بعدی بهرام در برابر نیروی خسرو مغلوب شده بترکستان میگریزد و در آنجا بقتل میرسد. در داستان «فرهاد و شیرین» نوائی بهرام سرکرده نامدار چینی و يك صورت مثبتی است که در طفولیت نیز از همشاگردان فرهاد بوده و پس از آگاهی بماجرای فرهاد از شرق بغرب لشکر کشیده شیره را مغلوب و تارمار ساخته و از امن زمین بیرون کرده است. برای شیرین و فرهاد يك مزار شاهانه ساخته شاپور را متولی آنجا کرده است .

صورت بزرگ امید در داستان نظامی مظهر ادراك و کمال و نمونه عدالتخواهی و انسان پروری است او يك فیلسوف شهیر و يك انسان خیرخواهی است که در ابتدا هرمن

و بعداً خسرو را به نیکو کاری و مردم داری و عدل و انصاف تشویق و ترغیب نموده و حتی المقدور از ارتکاب بکارهای بد نهی مینماید. بآنها راه راست را نشان میدهد. او تمام معنی يك خدمتگذار حقیقی خلق و دولت است. او دانشمند بیهمتائی است. لیکن نوائی بعلل عیانی و مخالفت‌های عملی و غرض ورزیهای بعضی از وزرای عصر خود از قبیل مجدودالدین و غیره صورت بزرگ امید را در اثر خود مانند يك وزیر متملق و چاپلوسی تصویر نموده، او را يك شخص حیل‌گر و بدخواه و آشوب طلب و تجاوزکار معرفی مینماید تا آنجا که در تمام حوادث لشکر کشی خسرو با رمن و کشت و کشتارها و دستگیری و قتل فرهاد و سایر جریانات بعدی فقط بزرگ امید مقصّر است. تمام این راه و چاهها را او بخسرو نشان داده است و تمام بدبختی‌های حاصله با تخریک و دسیسه او بوجود آمده است. نوائی در این اپیزود تمام صفات منفی مجدودالدین و دیگر وزرای نالایق معاصر خود را تصویر و رسوا نموده است. ما بار دیگر این نتیجه گیری را مینمائیم که نوائی در این داستان شورانگیز خود اکثراً مشاهدات و تمناهای شخصی خود را بنظم کشیده و خودش را قهرمان واقعی داستان برداشته، آمال و آرزوهای خود و مناسبات شخصی خویش را بازبان این و آن برشته نظم در آورده است.

\*

معنای فلسفی و اجتماعی داستان « فرهاد و شیرین » نوائی هم مانند داستان « خسرو و شیرین » نظامی خیلی عمیق و ریشه دار است. اگر نظامی صورت فرهاد را با سرعت بصحنه آورده و در اندک مدتی او را مانند ستاره ای در آسمان عشق و محبت درخشانده و سپس در زیر ابرهای فنا پنهان ساخته است و در همین صحنه مختصر نیز باو حیات ابدی و جاودانی بخشیده است، نوائی این کار را کاملاً طرز دیگر انجام داده. او تمام اثر خود را بفرهاد و فعالیت‌های او منحصر نموده است. فرهاد نوائی برخلاف خسرو نظامی فلسفه مرگب زندگانی شرافتمند را خوب درک نموده و در راه مستقیم پیشروی کرده است. او مانند هر انسان حقیقی از آغاز با موختن علم و اندوختن دانش پرداخته.



سپس با ممتنهای سعی و کوشش جهد و تلاش نموده است تا يك صفت و هنر بیاموزد و بتواند ساختن علم و عمل، دانش و هنر و وظیفه بشری خود را انجام داده باشد. او نخواسته است که عمر عزیز وی مانند ایام عمر بیمهران و آوارگان بهیچ و پوچ گذشته صرف لهو و لعب گردد. او نخواسته عضو فاسد و فلج جامعه و سر بار دیگران بشود. فرهاد نوائی خواسته و توانسته است یک عنصر مفید، خلاق، مثبت و لایق بشود، او درقبال زندگی هدف معین و مقصد مشخصی داشته است. بنظر نوائی انسان حاکم مطلق هستی و روی زمین است و حیات و کائنات باید در دست و اختیار بشر باشد شاعر از این حکم قطعی و درست خود نتیجه گیری صحیح مینماید. او میگوید که برای احراز این مقام شامخ فرزند انسانی باید علم بیاندوزد و هنر آموزد و با این علم و عمل خود حیات و کائنات را فتح نماید. نوائی در سیمای قهرمان داستان خود فرهاد باین کار بنحو احسن جامعه عمل می پوشاند. صورت فرهاد نمونه انسان کامل و بشر ایده آل است. نوائی میگوید: «يك دانشمند شهیر شدن به مراتب از يك فرمانروای مشهور شدن ستوده تر است»، بعقیده نوائی متفکر، عالم و بالاخره انسان حقیقی کسی است که علم را با عمل توأم سازد، و بهین منظور نیز قهرمان اثر خود را رمز و سمبول علم و عمل نشان داده است.

نوائی هم مانند نظامی اساس زندگی شرافتمند را در عشق پاك، در عاشقی صادق، در تشکیل عائله درك نموده و محبت عائله را جزئی از محبت عموم بشری و انسان دوستی ترنم کرده است. قهرمان خود را عاشق پا کبازی برداشته که بدون پروا از هیچگونه مهلکه و خطر سرانجام جان شیرین خود را در راه این عشق بی آلاش قربان کرده نام خود را در جرگه شهیدان عشق برای ابدیت در صحیفه روزگار ثبت و جاویدان نموده است.

نوائی در سیمای فرهاد و شیرین نمونه بشر کامل و انسان حقیقی به تمام معنی مثبت را تصویر نموده. در شخصیت، در تفکر فلسفی، در آمال و آرزو و در عشق و محبت آنان،

شخصیت و تفکر فلسفی و آمال و آرزوها و عشق و محبت خود را ترنم نموده بشر دوستی و انسان پروری خود را تجلی داده است .

شاعر در سیمای خسرو و بزرگ‌آقید عناصر منفی را رسوا ساخته و باطن و شخصیت حکام ظالم و وزراء چاپلوس و متملق را آماج هدف تنقید قرار داده است. اگر موضوع اساسی داستان را بمحبت و دوستداری انسان هم اختصاص داده باشد ، باز در خلال این سطور بسیاری از حوادث روزگار خود را گنجانیده و پاره‌ای از وقایع تاریخی دوران مرگب فرمانروائی سلسله تیموریان را تصویر و منعکس ساخته و یک اثر ارزینال جاویدان بوجود آورده است .

تاشکند ۲۵ ماه سپتامبر ۱۹۶۵ .

پایان

